

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۸ آبان ۱۳۸۷ ، ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۳۸

با مبارزات متحدانه و درایت و آگاهی کارگران پاریس، هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج حکم قطعی ابقا در کار این کارگران را صادر کرد



کارگران پاریس پس از ۴۵ روز اعتصاب و بلا تکلیفی و با مبارزات پیگیرانه خود موفق شدند رای هیئت تشخیص اداره کار سنندج را در هیئت اختلاف این اداره بشکنند و حکم قطعی ابقا در کار و دریافت کلیه مطالبات معوقه و ایام بلا تکلیفی را دریافت دارند.

در این رای آمده است:
هیئت حل اختلاف پس از

صفحه ۶

سخنرانیهای مینا احدی یک هفته فعالیت در دالاس امریکا

سفر یک هفته ای در جلسات و سخنرانیهای متعددی در این شهر حضور یافت. در اینجا گزارش این فعاليتها را ملاحظه میکنید
دانشگاه اس ام یو، سمپوزیوم بین المللی علیه خشونت بر علیه زنان روز پنجشنبه دانشگاه اس ام یو شاهد حضور بیش از ۵۰۰ نفر در سالن این دانشگاه بود. دانشجویان و جوانان و مردم زیادی از فراخوان

سخنرانی در سمپوزیوم بین المللی اعتراض به خشونت بر علیه زنان در دانشگاه "اس ام یو"، سخنرانی در دو جلسه با حضور دانشجویان دانشگاه "اس ام یو"، سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم دالاس از جمله فعاليتهای این هفته مینا احدی در امریکا بودند.
به دعوت بخش حقوق بشر دانشگاه دالاس مینا احدی در یک



صفحه ۶



محمد آسگران

وسیع عدم تامینی شغلی و تعطیل کارخانه ها یکی بعد از دیگری در جامعه به امری عادی تبدیل شده است. اما راه حل ها مثل مشاهدات و دیدن معضلات، مشابه نیستند. تا جایی که به خود کارگران و

صفحه ۲

نساجیهای سنندج، مقابله با بیکار سازی و راه حل کارگری بخش دوم

است؟ کدام سد و مانع را باید شکست که پیشروی جنبش کارگری میسر بشود؟ آیا تشکلهای و فعالین کارگری موجود قدرت و پتانسیل شان همین حد است که تا کنون شاهد آن بوده ایم؟ ...
واقعیت این است که مشاهدات جریانات مختلف کم و بیش یکی است. همه میدانند که بیکارسازی

در بخش اول این نوشته ضمن برشمردن مشکلات و شرایط فعلی جنبش کارگری و همچنین نقاط قوت این جنبش در کردستان سوالات معینی را طرح و قرار بود در این بخش به جواب آنها بپردازیم.
سوالات مورد نظر اینها بودند: چگونه باید با روند بیکارسازی مقابله کرد؟ مسیر درست کدام

کارگران نساجی کرمانشاه به تعطیلی کارخانه اعتراض کردند

با وعده های توخالی مواجه شدند.
حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران نساجی کرمانشاه قاطعانه حمایت می کند و از همه کارگران و مردم بویژه در کرمانشاه می خواهد که از اعتراض این کارگران بهر شکل که میتوانند حمایت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اکتبر ۲۰۰۸، اول آبانماه

۱۳۸۷ را دریافت نکرده اند. این خبر در ادامه می افزاید که کارگران ابتدا روز ۲۷ مهرماه در مقابل استانداری کرمانشاه دست به تحصن زدند و با وعده استاندار مبنی بر اینکه به کار بازخواهند گشت مواجه شدند. کارگران سپس به اداره کار استان مراجعه کردند و با همین وعده از جانب مقامات اداره کار مواجه شدند. اما کارگران تا امروز هنوز به سر کار باز نگشته اند و ۸۰ تن از این کارگران به نمایندگی از بقیه کارگران در مقابل خانه امام جمعه کرمانشاه دست به تجمع زدند که پس از حدود ۴ ساعت در آنجا، تنها

بنابه خبری که مهرداد آذریان، خبرنگار سازمان جوانان کمونیست امروز اول آبانماه از کرمانشاه برای حزب کمونیست کارگری ارسال کرده است، روز ۲۵ مهرماه ۱۳۸۷، کارخانه نساجی کرمانشاه که سالیهای زیادی در حالت نیمه تعطیل به کار خود ادامه می داد، به بهانه نبود مواد اولیه رسماً تعطیل شد و موجب بیکاری ۲۷۵ نفر از کارگران رسمی و قراردادی شاغل در این کارخانه گردید. کارگران بیکار شده هنوز عیدی و پاداش و نیز سنوات سال ۱۳۸۶، و همچنین حقوق ماههای شهریور و مهرماه سال

پیام تبریک و همبستگی اتحادیه آزاد کارگران ایران به سندیکای کارگران
نیشکر هفت تپه

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ادامه از صفحه ۱

نساجیهای سندج، مقابله با ...

تشکلهای موجود در کردستان برمیگردد تلاش برای سازماندهی اعتراض و درجه ای از هماهنگی کارگران کارخانه های مختلف صورت گرفته است. فعالیت از راه شکایت به اداره کار و سازمان دادن تجمعات اعتراضی علیه کارفرما و ادارات دولتی مانند اداره کار و استانداری و شورای شهر و فرمانداری و... امری شناخته شده برای کارگران است. با هر تعرض کارفرما و یا مطرح شدن هر مطالبه کارگری، کارگران این نوع فعالیتها را از سر گرفته اند. در چند سال اخیر درجه ای از تشکل یابی در میان کارگران و یا تلاش برای متشکل شدن در جریان بوده است.

اما تمام بحث ما این بود که با وجود این نوع اعتراضات، کارگران هنوز نتوانسته اند جلوی بیکار سازی را بگیرند و مطالبات خود را به سرمایه داران و دولت تحمیل کنند. در بهترین حالت مبارزات تا کنونی تا آن حد قدرت داشته است که بخش بسیار کمی از دستمزد و حقوق پامال شده کارگران را به آنها برگرداند. اما همزمان ما شاهد این هستیم که به دلیل طولانی شدن پروسه اعتراض کارگران در کارخانه های مختلف، کارفرما و دولت این امکان را پیدا کرده اند که به مرور کارگران را به چند دسته تقسیم کنند. تعدادی ناچاراً بازنشستگی زودتر از موعد را قبول کرده اند، تعدادی باز خرید شده و تعدادی بیکار شده اند. بنابر این سرمایه داران و دولت با کش دادن و عدم جواب گویی به مطالبات کارگران هر بار سعی کرده اند که پروسه طولانی و خسته کننده را به کارگران تحمیل کنند. این همان پروسه ای است که کارگران ناچاراً در مقابل "غیر ممکن" شدن بازگشت به کار به آنها تن داده اند.

همچنانکه گفتیم در قبال این مشاهدات تقریباً مشابه، جریانهای مختلفی جوابهای متفاوتی داده اند. واقعیت این است که کارگران علیرغم اینکه نتوانسته اند بیکار سازی را متوقف کنند، اما دستاوردهایی معینی داشته اند. حداقل به بخشی از مطالباتشان دست یافته و درجه ای از انسجام سازمانی در میان خود ایجاد کرده اند. بحث اما این است که کارگران چکار باید بکنند که جواب مشکلات امروز و دورنمای فردا را با هم بدهند. پروسه این حرکت اعتراضی کارگران به کجا باید ختم بشود؟ با نگاهی به طرح و تاکتیک جریانهای مختلف در رابطه با این موضوع متوجه میشویم که بسیاری از آنها نه تنها راهی را نشان نمیدهند بلکه به هر اندازه ای تاثیر داشته باشند خود آنها نمیتوانند بخشی از مشکل باشند.

طرح تاکتیک تصرف کارخانه، تصاحب کارخانه و کنترل کارگری و مدافعان آن در تعادل قوای فعلی از این دسته هستند.

میپردازم.

تصاحب کارخانه

تاکتیک تصاحب کارخانه یک اتویی خرده بورژوازیی بیش نیست. مدافعین این تاکتیک انگار متوجه نیستند که اکنون کارگران نه امکان و توان اجرای چنین تاکتیکی را دارند و نه حتی اگر امکانش را داشتند راه حل اصولی می بود. فراتر از شرایط کنونی حتی در یک حکومت کارگری هم قرار نیست که هر جمع کارگری صاحب و مالک کارخانه خود بشود و به رقابت با کارخانه بغل دستی بپردازد. طرح و سیاست این نوع جریانها هم به لحاظ تاکتیکی و هم به لحاظ اهداف و استراتژی سوسیالیستی هر دو خیالی و خرده بورژوازیی است. زیرا در شرایطی که کارگران توان این کار را هم داشته باشند، قرار نیست هر جمع کارگری در کارخانه ای مالکیت خود را بر آن اعلام کند. مدافعین تاکتیک "تصاحب کارخانه" نه از قدرت کارگران که از یاس و سرخوردگی خودشان حرکت میکنند.

زیرا فکر میکنند با تاکتیکی دیگر کارگران نمیتوانند به نتیجه برسند و به قول خودشان با سیاست "ضد سرمایه" ظاهر میخوانند از سرمایه دار "خلع ید" کنند و هر جمع کارگری تصاحب خود را بر کارخانه اعلام کند؟! در شرایطی که طبقه کارگر نه در مقطع دست به دست شدن قدرت سیاسی و تصرف قدرت، بلکه در مرحله تشکل یابی و جدال بر سر مطالبات اقتصادی خود با کارفرما و دولت است، چنین مطالبه و طرحی یک اقدام غیر واقع بینانه و یک عصیان خرده بورژوازیی و ذهنی گرایانه است.

این مطالبه در شرایط کنونی فقط میتواند مایه تفرقه و یاس و ناامیدی بشود. چنین تاکتیکی حتی به فرض محال اگر در یک یا چند کارخانه به دلیل عدم سود دهی و در آستانه ورشکستگی و یا با توجه به عدم حساسیت دولت و کارفرما، عملی بشود، آن وقت کارگران باید در سیستم بازار سرمایه ادغام شوند و برای ادامه کاری به رقابت بپردازند. ظاهراً کارخانه ای که برای سرمایه داران سود ندهد، قرار است بر اساس طرح "تصاحب کارخانه" بوسیله کارگران راه اندازی

و معجزه ای بکنند که از ورشکستگی نجات بیابد. تازه همه اینها هنگامی میتواند اتفاق بیفتد که دولت و سرمایه داران حمله به کارگران را سازمان ندهند و کارخانه را دو دستی تحویل آنها بدهند. این اتویی خرده بورژوازیی نه تعادل قوا را میشناسد و نه راههای قدرتمند شدن کارگران برای خلع ید از بورژوازی را. این سیاست شکل افراطی تر بیان همان سیاست کنترل کارگری است.

کنترل کارگری:

کنترل کارگری بر کارخانه همان مشکلاتی را ببار می آورد که در مورد تصاحب کارخانه گفتیم. اما این خواست بر خلاف مطالبه بیمه بیکاری، سیاست و تاکتیکی همیشگی و هر روزه در جنبش کارگری نیست. کنترل کارگری یکی از تاکتیکیهای جنبش کارگری در دوران بحرانهای سیاسی و یا در شرایط انقلابی و بعد از انقلاب است. کنترل کارگری بر کارخانه و یا تصرف کارخانه به منظور اداره آن بوسیله کارگران و نه تصاحب کارخانه، فقط هنگامی عملی و به نفع کارگران است که تعادل قوای طبقاتی این امر را ممکن کرده باشد و در عین حال به منظور خلع ید از سرمایه داران صورت بگیرد. این شرایط هنگامی عملی است که طبقه کارگر بخواهد قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم را ساقط کند.

اما علاوه بر درست و غلط بودن تئوری و تحلیل این و یا آن گرایش سیاسی در این رابطه، در جریان عمل و در تاریخ جنبش کارگری هم در مقاطعی تاکتیک کنترل کارگری عملی شده است که جامعه در آستانه انقلاب و یا در شرایط دست به دست شدن قدرت سیاسی بوده است. در جایی مثل شوروی سابق اساساً بعد از انقلاب اکتبر کنترل کارگری در ابعاد قابل توجه شکل گرفت. در ایران هم بعد از انقلاب ۵۷ و در گرماگرم انقلاب بود که این تاکتیک در بعضی از کارخانه ها عملی شد. در ایتالیا هم در شرایط بحران سخت سیاسی و اقتصادی چنین اتفاقی افتاد که جامعه در حال تغییر قدرت سیاسی بود. بنابر این در هیچ تاریخی ما شاهد اجرای این تاکتیک در تعادل قوای شبیه امروز ایران نبوده ایم. نمونه استثنایی در شاین

مورد آرژانتین است. کنترل کارگری در آرژانتین مورد بسیار متفاوتی است و هیچ شباهتی به ایران امروز نداشت. تا کنون مدافعین این سیاست هم به این مورد اتکا نکرده اند.

کسانی که در شرایط کنونی و در تعادل قوای فعلی جامعه ایران چنین سیاستی را مطرح و در دستور خود قرار میدهند نه میدانند مبارزه کارگری چگونه سازمان دهی و پیشبرده میشود و نه میدانند تعادل قوا یعنی چی و نه معنی اتخاذ تاکتیک را میفهمند. این جریانها با طرح کنترل کارگری در تناسب قوای کنونی ایران یک سیاست راست را نمایندگی میکنند. در جنبش کارگری هیچ فعال جدی کارگری که درجه ای از شناخت مبارزه طبقاتی داشته باشد یافت نمیشود که بخواهد مثل مدافعین سیاست کنترل کارگری از سر یاس و ناامیدی به خیالپردازی متصل شود. این سیاست اساساً حرف و مشغله کسانی است که در خوشبینانه ترین و در بهترین حالت کارگر را دوست دارند. و یا روشنفکران و تحصیل کرده گانی خیر خواه و طرفدار ضعفا هستند. این سیاست ربطی به سنت و مبارزه کارگری ندارد. این روحیات خرده بورژوازیهای عصیان زده است که مبارزه طبقاتی را از کتاب یاد گرفته و ناگهان در کتابی کنترل کارگری را خوانده و طرفدار آن شده اند. اینها را نباید جدی گرفت. بر خلاف این گرایش راست، که میخواهد خود را چپ قلمداد کند، گرایش پایدارتر راست سندیکیالیست، با طرح این سیاست اهداف سر راست تری را دنبال میکنند.

طرح سیاست کنترل کارگری در شرایط کنونی تنها مختص گروههای "چپ" بی ربط به جامعه و کارگر نیست. گرایش راست و سندیکیالیست که خود را هماهنگ با خانه کارگر میدانند و در حاشیه دولت پرسه میزند، همین سیاست را برای نجات دولت و کارفرما از بحران میدانند. حسین اکبری سندیکیالیست نوع دوم خردادی هم از کنترل کارگری حرف میزند. وی این اقدام را در پیوند با "قراردادهای دوجانبه"

مطرح کرده است. او گفته است: "ایجاد تشکل های سندیکایی و اتحادیه ای این توان و استعداد را در شرایط کنونی دارد تا بتواند ضمن دفاع از حقوق صنفی و طبقاتی، زمینه را برای گونه ای برقراری کنترل کارگری بر تولید از راه عقد قراردادهای دو جانبه که متضمن منافع کارگران باشد برقرار سازد. گیلانی نژاد عضو هیات موسس سندیکاهای کارگری ایران هم در ادامه این سیاست گفته است: "سندیکاهای استوار نه تنها معارض حکومت ها نیستند بلکه حتی می توانند بخشی از وظایف دولت را بر عهده گرفته و بدین سان در پیوستگی توسعه جامعه رو به تکامل نقش موثری داشته باشند."

این آن سیاست و اهدافی است که با کنترل کارگری قرار است طبقه کارگر به آن نایل آید!! مدافعین چپ و راست این سیاست می خواهند کارگران را به انجام وظایف دولت و کارفرما برای نجات کارخانه های ورشکسته ترغیب کنند. این سیاست به نظر "چپ های مدافع آن، راهی برای جلوگیری از بیکارسازی است! اما گرایش راست و سندیکالیست واقعی تر و سرراست تر حرفش را میزند. "چپ" مدافع سیاست کنترل کارگری در شرایط سیاسی امروز ایران، به اندازه سندیکالیست های راست معنی سیاستش را نمی فهمد. جریانات و گرایشات چپ و راست مدافع این سیاست، هر دو برای نجات کارخانه ها از ورشکستگی هدف مشترکی را دنبال میکنند. اما یکی از سر دلسوزی برای کارگر و دیگری برای نجات دولت و اقتصاد ملی، ولی هر دو یک سیاست راست و ضد کارگری را پیش میبرند.

کسانی که در تعادل قوای فعلی جامعه ایران به این نتیجه رسیده اند که برای مقابله با بیکاری باید کارخانه های ورشکسته را بر سر کارگران خراب کنند، و یا فراتر از این می خواهند در همه کارخانه ها این طرح اجرا شود، مثل همان کسانی که از تصاحب کارخانه حرف میزنند این سیاست را نه برای اجرا بلکه برای حرفی حول آن اتخاذ کرده اند. زیرا هر آدمی که پایش روی زمین باشد میدانند که جنگ میان کار و سرمایه در شرایط کنونی ایران

نه در دوره انقلابی و دست به دست شدن بلافصل قدرت سیاسی، بلکه جنبشهای انقلابی و از جمله جنبش کارگری باید سد و موانع زیادی را پشت سر بگذارند تا به مرحله ای برسند که با کنترل کارگری بر کارخانه زمینه خلع ید از سرمایه داران را فراهم کنند.

کسانی که فکر میکنند با طرح کنترل کارگری و یا با گفتن تصاحب کارخانه جواب همه چیز را داده اند، فقط بی ربطی خود را به راه حل کارگری و مکانیسمهای تغییر تعادل قوا در جامعه نشان میدهند. کسانی که با طرح این موضوعات ساده انگارانه کار خود را تمام شده فرض میکنند، فقط بی ربطی خود را به کارگر و جنبش کارگری به نمایش میگذارند. اگر کارگران اقدام به کنترل کارگری کارخانه و یا تصرف کارخانه بکنند، بویژه در جامعه ای مثل ایران امروز و در شرایط کنونی به این معنی است که سوت جنگ آخرا را به صدا در آورده اند. در این جنگ یا باید به مدت کوتاهی قدرت سیاسی را سرنگون کنند و یا اینکه حاکمان، سرکوب خشن جنبش کارگری را به منظور تسلط بلامنزاع خود آغاز میکنند. اگر جامعه در شرایط انقلابی نباشد، چنین سیاستهایی فقط میتواند به ضرر کارگران و به نفع سرمایه داران و دولتشان تمام شود.

این رویکرد در شرایط کنونی هر جا اجرا شود ناچار است یا در سیستم سرمایه و بازار ادغام شود و کارگران را به دنبالچه سیستم حاکم تبدیل کند و یا جنبش کارگری را در معرض سرکوب دشمن قرار میدهد و ضربات مهلکی بر پیکر آن وارد میکند.

محور دیگری که در ادبیات بعضی جریانات دیده میشود این است که آنها از ضرورت مبارزه با بیکاری و یا گذار از مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی به این نتیجه می رسند که بحث کنترل کارگری بر کارخانه را مطرح کنند. آنها فکر میکنند چیز تازه ای کشف کرده و می خواهند به جای سازمان دادن یک مبارزه مرکب و چند وجهی، بلافاصله و در شرایط کنونی راه حل میان بری را طی کنند. این محافل از یک شرایط ذهنی به سراغ

یک امر واقعی میروند. کنترل کارگری و یا هر سیاست دیگری در هر جا، باید کنترل سیاست کارگری معنی بدهد و معلوم باشد که جنبش کارگری کدام سیاست را می خواهد تعقیب کند. اما موضوع مهمی که در چنین شرایطی در ایران باید مورد توجه باشد، این است که کارگری که طرفدار خلع ید از بورژوازی است باید در حزب متشکل شود. زیرا بدون یک حزب قدرتمند کارگری خلع ید از بورژوازی حتی در شرایطی که امکان کنترل کارگری هم باشد غیر ممکن است.

بنابر این گرایشات غیر کارگری روش و منششان بیشتر شبیه خرده بورژواهای عاصی است تا فعالین آگاه جنبش کارگری. فعالین چپ و کمونیست بر خلاف این گرایشات راست غیر مسئول و متوهم، باید آگاهانه و به منظور رشد مبارزات جنبش کارگری با در نظر گرفتن شرایط عمومی جنبش اعتراضی در جامعه، رهنمودها و راه حل های به جنبش کارگری ارائه دهند که هر فعال کارگری متوجه بشود که دارد با تدارک آگاهانه و قدرتمندی به استقبال جنگ آخر می رود.

اما بیکاری و سیاست بیکار سازی دولت و سرمایه داران اتوماتیک یک مطالبه فوری را در ذهن هر کارگر و فعال کارگری برجسته میکند. روش برخورد به این مطالبه مهم تا کنون چنان بوده است، که گویا بیکاری فقط مشکل کارگران بیکار است. در حالی که نبود بیمه بیکاری همیشه یک فشار دائمی بر کل جنبش کارگری بوده است. کارفرمایان و دولت برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و برای پایین نگاهداشتن دستمزدها بیشترین استفاده را از آن برده اند. در تاریخ جنبش کارگری ما شاهد این بوده ایم که بدون یک اتحاد طبقاتی قدرتمند دولتها و سرمایه داران به خواست بیمه بیکاری تن ندادند. اتحاد علیه بیکاری آن سیاستی است که روی میز هر فعال کارگری و هر جریان کمونیستی قرار میگیرد.

اتحاد علیه بیکاری

حق پرداخت بیمه بیکاری به همه کارگران بیکار ابتدائی ترین حقی است که هر کارگر بیکاری باید برای امرار معاش از آن برخوردار باشد.

این مطالبه باید خواست همیشگی کارگران شاغل و بیکار باشد. در عین حال این مطالبه ای است که با قانونی شدن و اجرای آن مانع ایجاد تفرقه در میان کارگران شاغل و بیکار و مانع تعرض کارفرما و سرمایه داران به سطح دستمزدهای شاغلین می باشد. به همین دلیل معضل بیکاری و تلاش برای تحمیل بیمه بیکاری به دولت و قانونی کردن آن تنها وظیفه کارگران بیکار نیست. اتحاد کارگران شاغل و بیکار و یا اتحاد علیه بیکاری یک نیاز ضروری و فوری جنبش کارگری است. اما در مقابل شرایط بغرنج و پیچیده کنونی که بیکار سازی وسیع در جریان است و کارخانه های زیادی یکی بعد از دیگری اعلام ورشکستگی میکنند و به دلایل مختلف کارگران بیکار میشوند همه تشکلهای و فعالین کارگری باید دفاع از بیمه بیکاری را امر مهم و فوری خود بدانند.

در عین حال باید متوجه باشیم که طرح مکرر این مطالبه بدون یک اتحاد و اراده قوی برای تحمیل آن به دولت و سرمایه داران نمیتواند دردی از کارگران بویژه کارگران بیکار درمان کند. علیرغم اهمیت و جایگاه این مطالبه جنبش کارگری نمیتواند فقط با تکرار آن به حرکت در آید. بلاخره برای چنین مطالبه ای اگر منظور اجرای همین قانون ضد کارگری فعلی نباشد، باید قانون را عوض کرد. باید حداقل دستمزد را چند برابر کرد. باید مبارزات را سراسری کرد و... اگر نخواهیم فقط شعار بدهیم تشکل کارگری اعتراضات سازمان یافته و قدرتمند سراسری یکی از ضروریات عملی شدن چنین مطالبه ای است. اتحاد علیه بیکاری به دلیل ابعاد رو به افزایش خیل بیکاران بیش از پیش به موضوعی حیاتی در جنبش کارگری ایران تبدیل شده است.

چه باید کرد؟

اولین سد و مانع فعلی جلو پای پیشروی جنبش کارگری این است که مبارزات جاری پراکنده و نا هماهنگ است. به همین دلیل گستردگی و عمق مبارزات کنونی نتوانسته است کارفرما و دولت را تسلیم خواست و مطالبات جاری کارگران کند. بنابر این اولین سوال این است که چگونه مبارزات جاری

را قدرتمندتر پیش ببریم. در شرایط کنونی باید تلاش کرد مبارزات کارخانه ای و جدا از هم، هر چه بیشتر خصلت جدال دو طبقه را به خود بگیرد. برای رسیدن به چنین شرایطی کارگران و بویژه فعالین کارگری باید اتحادی علیه سرمایه داران به وجود بیاورند که قدرت رویارویی آنها با سرمایه داران و دولت را تضمین کند.

برای شکل دادن به یک مبارزه متحدانه باید از مطالبات سراسری مانند پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، علیه قراردادهای موقت، علیه بیکارسازی و حق تشکل و تعیین حد اقل دستمزد و بیمه بیکاری و... شروع کرد. اتحادها و ائتلافهایی از گرایشات چپ و سوسیالیست و فعالین رادیکال کارگری برای شکل دادن به یک مبارزه سراسری و متحدانه امری لازم و فوری است. کارگران باید به قدرت و موفقیت تاکتیکیهای اتخاذ شده اعتماد داشته باشند تا بتوانند در ابعادی توده ای به آن پیوندند. بنا بر این باید با اتخاذ سیاستهای معینی این اعتماد را در جنبش کارگری ایجاد کرد.

اما در این میان یک مطالبه ویژه وجود دارد که شکل اجرایی آن میتواند تا حدودی متفاوت از دیگر مطالبات باشد. حق تشکل و اقدام عملی برای ایجاد تشکل تنها مطالبه ای است که لازم نیست کارگران منتظر باشند که قدرتشان این حق را قانونا به سرمایه داران و دولت تحمیل کنند. این حق را میتوان فوراً و بلافاصله به اجرا آورد. میتوان دو فاکتور این حق را با اجرای عملی آن به دولت و سرمایه داران تحمیل کرد و برای قانونی کردن آنها همزمان تلاش نمود.

برای متشکل شدن، کارگران تا کنون منتظر قانونی شدن این حق نشده اند. تشکلهایی کارگری همین حالا هم علیرغم کمبودهایی که دارند، اینجا و آنجا شکل گرفته اند. اولین اقدام این تشکلهای میتواند این باشد که ابتدا خود بر سر خواستهایی معینی مشترکاً اعلام موضع کنند و فراخوان به اعتراض بدهند. همزمان فراخوان به انتخاب نمایندگان در کارخانه ها و مراکز کارگری بدهند. این اقدام میتواند

ابعاد تشکل یابی در جنبش کارگری را فراتر از این تشکلهای ببرد و تعداد هر چه بیشتری از مراکز کارگری نمایندگانشان را انتخاب کنند. مجمع عمومی ظرف مناسب و عملی این اقدام کارگری است. در ادامه این حرکت، مجمع عمومی نمایندگان کارخانه های مختلف علاوه نمایندگان تشکلهای کارگری موجود میتواند استارت یک حرکت سراسری را بزند. در مقابل استدلالی که فکر میکند این تشکلهای فقط تعدادی فعالین کارگری هستند نه تشکلهای توده ای کارگران و تأثیری در جنبش کارگری ندارند و ... در جواب به این دیدگاه باید تاکید کنیم که این نوع استدلال دو مسئله را با هم مطرح میکند که یکی از آنها درست است، اما استدلال دومی غیر واقعی و تحلیلی نادرستی از مکانیسم تغییر تعادل قوای سیاسی و تأثیر گذاری در جنبش کارگری است.

اینکه تشکلهای موجود اکثرا تشکلهای فعالین کارگری هستند یک واقعیت است. اما در مقابل این استدلال باید گفت اولاً سندیکای کارگران هفت تپه چنین نیست و سندیکای کارگران شرکت واحد هم در نتیجه یک جدال سخت و سرکوب بیرحمانه بوسیله دولت و سرمایه داران به موقعیت کنونی رانده شده است. اما زمینه گسترش مجدد فعالیت آن کاملاً مهیا است. اتحادیه آزاد کارگران ایران هم در مدت کوتاهی توانسته است ابعاد قابل توجهی به خود بگیرد. کمیته های دیگر هم در دفاع از حقوق کارگران و برای گسترش تشکلهای کارگری از انوریته سیاسی معینی در میان فعالین کارگری برخوردار هستند. علاوه بر این محافل و فعالین کارگری زیادی وجود دارند که در صورت هماهنگی این تشکلهای امکان گسترش فعالیت همه آنها قابل انتظار است. اما با همه این اوصاف طبقه کارگر ایران در یک جدال سخت و نابرابر با دولت و سرمایه داران بلاخره تا کنون توانسته است همین تشکلهای را از خود بیرون بدهد. یک سیاست مسئولانه و واقعیهانه این نیست که برای این تشکلهای شانه بالا بیندازند و آنها را نادیده بگیرند. این تشکلهای مرکب از فعالین و

کارگرانی است که با هر نقدی که به سیاستها و دیدگاههای آنها داشته باشیم تأثیرات مثبت و تلاش شبانه روزی فعالین آن غیر قابل انکار است. همین درجه از تشکل به همت این فعالین ممکن شده است. کسی که بخواهد در جنبش کارگری کار بکند و تأثیری بگذارد نمیتواند از بالای سر این فعالین وارد شود. یا لاقط در شرایط کنونی غیر ممکن است که کسی بتواند آنها را نادیده بگیرد و یا دور بزند. بنابر این سیاست مسئولانه و اصولی میتواند بر محور تقویت فعالیت و تلاش این فعالین و تشکلهای باشد. ما هر نقدی که به این یا آن سیاست تشکلهای موجود داشته باشیم باید تلاش کنیم آنها را تقویت کنیم. یک نقد مسئولانه و کمونیستی نمیتواند به نادیده انگاشتن این تشکلهای و فعالین موجود در جنبش کارگری برسد. کسانی که ایدآلهایشان را مبنای قضاوت تشکلهای موجود قرار میدهند نه از واقعیتی بویی برده و نه از پیچیدگی شرایط کنونی و راه برون رفت از آن مطلع هستند. به هر حال این تشکلهای توریته معینی در میان فعالین جنبش کارگری دارند. تلاش هماهنگ آنها بر محور مطالبات سراسری کارگران میتواند امیدواری زیادی در میان فعالین کارگری دامن بزند. تا کنون تلاشهای با ارزشی در جهت منافع کارگران انجام داده اند. نقد اصولی و مسئولانه میتواند کمبودهای موجود را نشان دهد اما همزمان باید تقویت آنها را هدف خود قرار دهد.

تقویت و ارتقا مبارزات جاری وظیفه هر فعال کارگری و هر جریان مسئول و کمونیستی این است که مبارزات جاری را تقویت کند و برای پیروزی آن تلاش نماید. عملی کردن مطالبات فعلی و یا تحمیل هر بخشی از این مطالبات به سرمایه داران و دولت، جنبش کارگری را در موقعیت بهتری برای پیشروی قرار میدهد. اما برای رسیدن به همین حد از مطالبات و برای هماهنگی مبارزات جاری نمیتوان فقط به فراخوان و موضعگیری رادیکال اکتفا کرد. باید راه حل رادیکال نشان داد و عملی شدن و واقعیهانه بود راه حل هم برای فعالین کارگری باید

محرز باشد. فعالین کارگری باید متقاعد بشوند که این راه حل های رادیکال را میتوانند عملی کنند. این امر روشن و پذیرفته شده ای است که برای هماهنگی مبارزات جاری احتیاج به تشکل هست و اولین مانع برای این کار، دولت و دستگاههای سرکوب است که اجازه نمیدهند تشکلهای توده ای کارگری و تشکل حزبی کارگران شکل بگیرد. اما هنر فعالین چپ و کمونیست در جنبش کارگری باید این باشد که در همچنین شرایط پیچیده ای بتوانند راه برون رفت را نشان بدهند. با این وجود راه حل های رادیکال هر چند درست و واقعیهانه باشند، اما به همان اندازه برایی و امکان گسترش دارند که قدرت کارگری را حول سیاست معینی سازمان بدهند. با نشان دادن نمونه و الگوهای عملی و پیشرو، امید و اراده جمعی برای پیشبرد این حرکت را میتوان بیش از پیش تقویت کرد. یکی از این الگوها اقدام چهار مرکز کارگری در سنج است. آنها بعد از انتخاب نمایندگان خود در مجمع عمومی کارخانه، در قدم بعدی برای هماهنگی اعتراضات جاری مجمع عمومی نمایندگان را سازمان دادند. این یک الگوی پیشرو و دارای ظرفیت و پتانسیل قوی و سراسری است. اما با این حال جنبش کارگری فقط هنگامی میتواند دستاوردهایش را غیر قابل بازگشت کند که به یک افق و سیاست کمونیستی کارگری دست پیدا کرده باشد. برای دستیابی به چنین موقعیتی کارگران باید در حزب خود متشکل شوند.

تشکل حزبی یک نیاز فوری جنبش کارگری است جنبش کارگری فقط با تشکلهای موجود و حتی با تشکلهای توده ای کارگری هم نمیتواند بدون تشکل حزبی به اهدافش نایل آید. برخلاف دیدگاه جریانات حاشیه ای و راست، کارگران در دل همین مبارزات جاری باید تشکل حزبی خود را انتخاب کنند. بدون یک حزب قوی و آماده جنگ برای کسب قدرت سیاسی که کارگران را در میدان سیاست و کسب قدرت سیاسی نمایندگی کند، هر موفقیتی که جنبش کارگری بدست بیاورد نمیتواند به پیروزی

نهایی منجر شود. حتی برای ایجاد رفرف هم کارگران احتیاج به حزبی دارند که آنها را در سیاست نمایندگی کند و مبارزات بخشهای مختلف را به هم وصل کند. این حقیقت را باید چند باره تکرار و تاکید کرد که با اتحادیه و شورا و مجمع عمومی و ... قدرت سیاسی کسب نمیشود. طبقه کارگر با حزبی میتواند قدرت سیاست را بگیرد. حتی برای اینکه همین تشکلهای کارگری هم در یک مسیر اصولی و درست قرار گیرند، طبقه کارگر باید به حزب خود اتکا کند. طبقه کارگر برای جنگ در میدان سیاست و کسب قدرت سیاسی به حزب خود نیازی فوری و حیاتی دارد. به هر نسبتی که کارگران تشکل حزبی خود را قدرتمند کرده باشند به همان اندازه میتوانند در یک اقدام سراسری و در یک جنگ طبقاتی هماهنگ و با قدرت عمل کنند. برای کسب همین مطالبات جاری طبقه کارگر احتیاج به حزب دارد. تأثیرات سیاسی و نقش حزب در نمایندگی کردن یک افق کمونیستی کارگری در جامعه که بتواند مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر و همه انسانهای محروم را نمایندگی و هدایت کند، یک ضرورت فوری و حیاتی است.

در کردستان کارگر صنعتی، تجربه جنبش کارگری و سابقه فعالین و رهبران کارگری قابل مقایسه با دیگر مراکز صنعتی در ایران نیست. ما در کردستان بعد از قیام ۵۷ و بطور مشخص در اواسط دهه ۶۰ به این طرف شاهد تحرك اجتماعی قابل توجهی از جانب فعالین و جنبش کارگری بوده ایم. در حالیکه سابقه و تاریخ فعالین و جنبش کارگری در مراکز صنعتی ایران در یک بعد اجتماعی حدود صد سال عمر دارد.

اما در کردستان جنبش کارگری در یکی دو دهه اخیر همیشه مبشر الگوها و اقداماتی بوده است که در زمره پیشروترین سنتهای کارگری قرار میگیرند: تحمیل حقوق دوران اعتصاب به کارفرما، شرکت خانواده های کارگری در اعتراضات جاری، تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعی، خنثی کردن نقش شوراها اسلامی در مراکز کار،

اتحاد و هماهنگی چندین مرکز کارگری با همدیگر، تشکیل صندوقهای کارگری، تشکیل مجمع عمومی نمایندگان کارگران کارخانه های مختلف باهم، تلاش مستمر برای ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت، برداشتن قدمهای موثر در تشکل یابی و نقش تشکل در مبارزات کارگران، ضدیت با کل مناسبات سرمایه داری و نقد آن، برگزاری مراسمهای اول مه روز جهانی کارگر به عنوان یک سنت جا افتاده، صدور و تصویب قطعنامه های رادیکال و نمایندگی کردن همه اقصای جامعه، نقد ملیگرایی و اتکا به منافع کارگران به عنوان یک طبقه نه افراد و احاد منتسب به این یا آن ملیت و مذهب، و دهها مورد دیگر این نوع اقدامات با ارزش، تحرك و الگوی را نشان میدهد که جنبش کارگری میتواند در هر نقطه ای آنها را در جهت کسب حقوق خود بکار گیرد.

این نوع اقدامات که در بالا برشمردم تنها مختص جنبش کارگری هم نبوده است. در جنبش دفاع از حقوق کودک و جنبش برابری طلبانه زنان برای رهایی از قید و بند قوانین و سنتهای مردسالار و ضد زن هم، این سنتهای پیشرو قابل مشاهده و برجسته است. همه اینها علاوه بی اعتبار شدن مذهب و سنتهای مذهبی در جامعه اساساً به دلیل نقش سیاسی و وجود احزاب چپ و کمونیست ممکن شده است.

به هر درجه ای که فعالین این جنبشها و از جمله جنبش کارگری تحت تأثیر سیاستهای چپ و سوسیالیستی بوده اند، به همان نسبت توانسته اند تحركی ایجاد کنند و تغییراتی به نفع خود در جامعه بوجود بیاورند. میگویم تأثیر سیاسی و نه الزاماً تشکیلاتی، زیرا همیشه تأثیر احزاب سیاسی بر جامعه بسیار فراتر از ابعاد تشکیلاتی آنها است. در جنگ طبقاتی نقش حزب کمونیستی کارگری تعیین کننده و حیاتی است. زیرا این احزاب هستند که میتوانند کل مسایلی اجتماعی و جنبشهای اجتماعی را در راستای هدف سیاسی طبقاتی خود سازماندهی و رهبری کنند. تشکلهای توده ای کارگری و یا هر تشکل رادیکال دیگری اساساً

پیام تبریک و همبستگی اتحادیه آزاد کارگران ایران به سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

دوستان و یاران

انتخاب اعضای هیئت مدیره سندیکای شما خبری مسرت بخش و امیدوار کننده برای همه کارگران ایران بود. شما با اتکا به نیروی متحدانه خویش و پس از ۲ سال مبارزه پر شور و طاقت فرسا برای رسیدن به خواست هایتان، موفق شدید به یکی از

مبرم ترین مطالبات خود و طبقه کارگر ایران جامه عمل بپوشانید و تشکل تان را بر پا دارید. بدون تردید ایجاد تشکل بدست خود کارگران در نیشکر هفت تپه، راه را بیش از پیش برای ایجاد تشکلهای کارگری در تمامی مراکز تولیدی و صنعتی و... هموار خواهد کرد

و موفقیت‌های هر چه بیشتر شما در این راه، نوید بخش برپایی تشکلهای کارگری در سراسر ایران خواهد بود. انتخاب اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه گامی بسیار حیاتی در تثبیت موجودیت سندیکای شما بود و ما آنرا صمیمانه به شما تبریک می گوئیم.

یاران!
رمز قدرت شما در بر پایي مجمع عمومی منظم و تصمیم گیری در آن است، بر پایي مجمع عمومی منظم در ساعت و محل کار و تحمیل آن به مدیریت شرکت، بدنه سندیکا و هیئت مدیره ی آنرا به تنی واحد در برابر هر تعرض و سرکوبی بدل خواهد کرد و متضمن بالا رفتن حساسیت بیش از پیش اعضا در قبالت سرنوشت سندیکا و حفظ و قدرتمندتر شدن آن خواهد بود.

ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران آرزوی موفقیت و پیروزیهای هر چه بیشتر را بر ای شما داریم، دست یکایک تان را در سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه صمیمانه می فشاریم و بدینوسیله همبستگی خود را با شما اعلام میداریم.

ما همراه و همدوش شمائیم
اتحادیه آزاد کارگران
۴/۸/۱۳۸۷



محدود به فعالیت و مطالباتی است که حول آن سازمان یافته اند. همچنانکه احزاب هم بر محور برنامه و پلتفرم معینی برای اداره جامعه تشکیل میشوند. همه احزاب بورژوازی یا کارگری، برای رسیدن به آلترناتیو مورد نظر خود سازمان یافته اند. احزاب برای رسیدن به قدرت و اجرای برنامه و سیاست خود، بر اساس منافع طبقه ای که به منظور نمایندگی کردن آن تشکیل شده اند، تلاش میکنند دیگر اقشار جامعه را متقاعد کنند که در همان راستا قدم بردارند.

جنگ با سرمایه داران و دولتشان به پیروزی برسد. اما امروز کارگران و مردم آزادیخواه ایران با اعتماد به نفس میتوانند بگویند این ستاد وجود دارد. این ستاد یک تجربه متمرکز و سازمانیافته ۳۰ ساله را پشت سر خود دارد. حزب کمونیست کارگری تنها جریانی است که از ابتدای سر کار آمدن رژیم اسلامی تا کنون نه تنها سر سازشی با هیچکدام از جناحهای رژیم اسلامی نداشته است، بلکه جریانی بوده است که در عرصه های مختلف نه تنها پیشرو ترین سیاست را نمایندگی کرده است بلکه در پیشرفته ترین جوامع بشری هم مبشر ایده های انسانی و برابری طلبانه بوده است.

جنبش چپ و سوسیالیستی بوده و هست. ما جنبشی را نمایندگی میکنیم که در مقابل همه سنتهای سیاسی عقب مانده در ایران و حتی فراتر از ایران، نوع خاصی از کمونیسم را در جهان نمایندگی میکنیم که تاریخ و سنت آن به لنین و مارکس و کمون پاریس برمیگردد. سنتی که هیچ نوع نزدیکی به کمونیسم روسی و چینی و کوبایی و... نداشته است. منتقد انواع کمونیستهای غیر کارگری و بورژوازی بوده است. کمونیسمی که ماکزیالیست و همه حقوق و آزادی انسان را برای همین امروز میخواهد. جریان ما در نقد چریکیسم و پوپولیسم و در نقد مذهب و ناسیونالیسم، در نقد پارلمانتاریسم و دمکراسی طلبی بورژوازی و بازار آزاد و اسلام سیاسی تا همین حالا هم نقش تعیین کننده و منحصر به فردی ایفا کرده است.

میخواهد این دنیای وارونه را بر قاعده خود بنا نهد. بقول منصور حکمت انسان و انسانیت مبنای کمونیسم ما است. برای ما کارگر یک انسان اجتماعی است، نه یک موجود تحقیر شده و دست پینه بسته که باید برایش دل سوزاند. ما ناجی کسی نیستیم. ما خود را بخشی از این جنبش میدانیم که تلاش میکنیم انسان را با اتکا به انسانیتش برای رهایی سازمان بدهیم. ما با انگشت گذاشتن بر انسانیت انسانها و با اتکا به هویت انسانی در تقابل با هویتهای کاذب ملی، مذهبی، قومی و... به میدان آمده ایم.

فقط میتوان بر محور مطالبات عینی و واقعی خودش سازمان داد.

رسالت طبقه کارگر این است که حزیش را داشته باشد و از طریق حزب خود همه این مبارزات را هماهنگ، رهبری و بر محور استراتژی خود، برای رسیدن به همان مطالباتی که دارند سازماندهی و رهبری کند. چپ سنتی و غیر کارگری معادله را همیشه برعکس فهمیده است. طبقه کارگر و حزیش رسالتش این است که جامعه را بر محور مبارزه علیه تبعیض و نابرابری سازمان بدهد و این مبارزات را هماهنگ و متحد کند.

حمایت جنبشهای مختلف از همدیگر امری مهم و حیاتی است و باید برای آن تلاش کرد. همه کارگران و فعالین جنبشهای مختلف باید این حقیقت را بدانند که بدون یک حزب کمونیستی کارگری در بهترین حالت فقط میتوانند اصلاحاتی به نظام حاکم تحمیل کنند نه بیشتر. کسب قدرت سیاسی و استقرار یک جامعه سوسیالیستی و رهایی جامعه از این همه نابرابری و تبعیض بدون یک حزب قوی کمونیستی غیر ممکن است.

اگر این حکم درست مانیفست کمونیست مارکس را بپذیریم که طبقه کارگر فقط با رهایی کل جامعه میتواند خودش را رها کند، در عین حال باید تاکید کرد که طبقه کارگر فقط با اتکا به حزب خود، حزب کمونیستی کارگری، میتواند همه اقشار زحمتکش و معترض جامعه را متحد کند و برای رهایی از نظام طبقاتی حاکم به حرکت دریاورد.

بنا بر این جنبش کارگری و بویژه فعالین کارگری به هر نسبتی که خود را هم جهت با این نوع کمونیسم بدانند به همان اندازه با افق و دورنمایی رسیدن به یک جامعه آزاد، مرفه، برابر و انسانی همراه شده و به این اعتبار میتوانند بقیه اقشار اجتماعی را با خود همراه کنند. جنبش کارگری در شرایط امروز وظیفه اش نجات کارخانه های ورشکسته نیست. جنبش کارگر و وظیفه اش حفظ تولید "داخلی" و مخالفت با کالاهای وارداتی نیست. جنبش کارگری باید برای کسب قدرت سیاسی، حزیش را قدرتمند کند و تلاش کند همه اقشار تحت ستم جامعه را بر محور مطالبات امروزشان برای بریز کشیدن سرمایه داران و دولتشان بحرکت در بیاورد و سازمان بدهد. این فرمول قدیمی سنتی که "دیگر اقشار باید بیایند از کارگران حمایت کنند" را باید فراموش کرد. هر قشر و طبقه ای را

این جریان تا کنون به شکل حزیت یافته و در میدان سیاست نقش مهم و غیر قابل انکاری را ایفا کرده است. حزب کمونیست کارگری در تاریخ ایران منحصر به فرد است. حزبی که نه تنها به هیچ جناحی از رژیم در هیچ مقطعی امتیازی نداده و توهمی نداشته است، بلکه در سخت ترین شرایط در مقابل توهم مردم هم ایستادگی کرده و حقیقت را فدای مصلحت نکرده است. حزبی که در نقد مذهب و ناسیونالیسم و سنتگرایی و ضدیتش با این جنبشها و نمایندگی کردن یک سیاست برابری طلبانه و انسانی متاسفانه تنها بوده است. زیرا همه جریانات چپ و راست اپوزیسیون در دوره های مختلف در کنار این یا آن جنبش ارتجاعی قرار گرفته، به آنها امتیاز داده و یا خود بخشی از آن بوده اند.

این حزب و جنبش کمونیسم کارگری در ایران مبشر و بخش حزیت یافته یک ترند متفاوت در

با نگاهی به جامعه متوجه میشویم که بورژوازی احزاب و تشکلهای سراسری و محلی خود را دارد. بنگاه های تبلیغاتی و دستگاه سرکوب خود را دارد. کل اقتصاد و سیاست و قانون حاکم در جامعه بوسیله نمایندگان این طبقه نمایندگی میشود و با اتکا به آنها قدرت طبقه خود را بر کل جامعه و همه اقشار اجتماعی مسلط کرده است. همه اینها مکانیسمهای تغییر و تحول و اداره جامعه مدرن هستند. طبقه کارگر نمیتواند بدون توجه به این مکانیسمها سرمایه داران و دولتشان را ساقط کند و خود قدرت سیاسی را بدست گیرد. حتی برای به چالش طلبیدن حکومت و اصلاحاتی در قانون و اداره جامعه، طبقه کارگر ناچار است هم تشکلهای توده ای و هم تشکل حزبی خود را داشته باشد.

جنگ طبقاتی چند ده برابر جنگ دو ارتش نظامی پیچیده تر و حساس تر است. بدون یک ستاد فرماندهی طبقه کارگر نمیتواند در

ادامه از صفحه ۱ سخنرانیهای مینا احدی یک هفته فعالیت ...



حمایت و همبستگی بین المللی قرار گیرند و باید همگان از مبارزات زنان و مردم در ایران دفاع کنند، این وظیفه همه انسانهای آزادیخواه و متممن جهان است.

در این کنفرانس میز کتاب فعالین حزب کمونیست کارگری ایران برپا بود که در آن مطالب و جزوات متعددی به حاضرین عرضه میشد. میز کتاب با عکسهای متعدد از خشونت علیه زنان در ایران و نشان دادن صحنه هایی از اعدام و سنگسار توجه مردم را به خود جلب کرده بود. بویژه جزوه دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر نوشته منصور حکومت، وسیعا در بین حاضرین توزیع شد.

سخنرانی در دو سمینار در دانشگاه اس ام یو
مینا احدی در دو سمینار دیگر در روزهای سه شنبه ۲۱ و چهارشنبه ۲۲ اکتبر در جمع دانشجویان دانشگاه اس ام یو سخنرانی کرد. در روز سه شنبه سخنرانی در جمع دانشجویانی بود که درس زبان آلمانی میخوانند. سخنرانی به زبان آلمانی و در مورد موقعیت زنان در ایران بود، این جلسه با شرکت فعال دانشجویان مواجه شد و استقبال از مباحث و ابراز علاقه به همکاری با سازمان علیه تبعیض و با کمیته علیه سنگسار بارز بود.

سخنرانی در جمع ایرانیان در روز جمعه ۲۴ اکتبر

به دعوت واحد دالاس حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد دالاس، مینا احدی در جمع ایرانیان علاقمند در مورد ابعاد فعالیت علیه اعدام و سنگسار و در

مبارزه علیه خشونت وحشیانه علیه زنان در ایران سخنرانی کرد. شراره میرزایی فعال حزب کمونیست کارگری ایران در دالاس ابتدا ضمن خوش آمدگویی به حضار بیوگرافی کوتاهی از مینا احدی را برای حاضرین بیان نمود. سپس یک گفتگوی چندین ساعته مینا احدی با حاضرین در مورد مسایل متعدد در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و چگونگی تقویت مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی شرکت کرد.

این فعالیتها در عین حال از

بخش حقوق بشر دانشگاه استقبال کرده و به سخنرانی پنج زن از پنج کشور دنیا گوش فرا دادند. سخنرانان در مورد ابعاد خشونت علیه زنان در دنیا سخنرانی کردند.

کنفرانس با سخنرانی افتتاحیه ریک هالپرین رییس بخش حقوق بشر دانشگاه که در عین حال رییس عفو بین الملل امریکا است، شروع شد. ریک گفت در برنامه امروز در مورد خشونت و جنایات حرف میزنیم که در این قرن، بر علیه نیمه بشریت اتفاق می افتد. او در پایان گفت باید به این جنایات پایان داد و از همگان خواست به پا خیزند و کمک کنند، نقطه پایانی بر خشونت بر علیه زنان گذاشته شود.

سپس سخنرانان از آرژانتین، اوگاندا، فلسطین، امریکا و ایران، با سخنرانیهای خود نفسها را در سینه ها حبس کردند. ابعاد جنایات و میزان وحشیگری نظام سرمایه داری و دولتهای دیکتاتور و فاشیسم اسلامی بر علیه زنان غیر قابل تصور است سخنرانان تصویری واقعی از این معضلات به حاضرین دادند.

مینا احدی در این سمپوزیوم در مورد بیوگرافی و فعالیتهای خود حرف زد و سپس گفت: در ایران یک حکومت آپارتاید جنسی وجود دارد. حجاب و جداسازی و سنگسار و خشونت علیه زنان در ایران یک امر روزمره است. او گفت زنان سالهای سال است که علیه این جنایت و این جداسازی و آپارتاید جنسی مبارزه میکنند. در ایران یک جنبش عظیم سکولار و انسانگرا وجود دارد که علیه حکومت اسلامی و برای یک زندگی بهتر میجنگد. او گفت این مردم و زنان در ایران حق دارند مورد

سپس سخنرانان از آرژانتین، اوگاندا، فلسطین، امریکا و ایران، با سخنرانیهای خود نفسها را در سینه ها حبس کردند. ابعاد جنایات و میزان وحشیگری نظام سرمایه داری و دولتهای دیکتاتور و فاشیسم اسلامی بر علیه زنان غیر قابل تصور است سخنرانان تصویری واقعی از این معضلات به حاضرین دادند.

آنا ماریا گاریگا از آرژانتین، جسیکا اوکلو از اوگاندا، مینا

ادامه از صفحه ۱ با مبارزات متحدانه و درایت و آگاهی کارگران پریس...

بررسی محتویات کلی پرونده و استماع اظهارات نماینده کارگران و نماینده کارفرما به اتفاق آرا ضمن نقض رای بدوی به استناد مواد ۲، ۳، ۳۴، ۳۶، و ۱۶۵ قانون کار و اقرار صریح نماینده کارفرما در صورتجلسه مورخ ۳۱/۶/۸۷ هیات بدوی مبنی بر ادامه کار پرسنل در مهر ماه سالجاری و استارت فعالیت در جریان تهیه منابع مالی که خود موید حذف موضوعیت قرارداد کار موقت می باشد و علاوه بر آن اداره تشخیص هویت کردستان وفق نامه مورخ ۲۴/۷/۸۷ که تصویر آن توسط

نماینده کارگران تسلیم هیئت گردیده مفاد مندرج در قراردادهای منعقدہ را به بعد از امضای کارگران تشخیص هویت نموده که عموماً بر خلاف نص صریح مادتهای ۷ و ۱۰ قانون کار می باشد به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید:

کارفرمای شرکت ریسندگی پریس سندیج مکلف است از تاریخ صدور رای هیات حل اختلاف نسبت به بازگشت بکار اولیه هر یک از خواهانها آقایان(امجد زمانی، شریف ساعد پناه، تورج عزتی فریدون قاسمی و... - مجموعاً ۳۵ کارگر شاکی شرکت ریسندگی

پریس نام برده شده است) در کار اولیه اقدام نموده و مبالغ ذیل را از بابت حقوق و مزایای معوقه و دستمزد ایام بلا تکلیفی لغایت ۲۸/۷/۸۷ در وجه خواهانهای مربوطه پرداخت نماید. مبالغ در ادامه رای قید مذکور شده است.

در پایان این رای نیز آمده است: رای صادره به اتفاق آرا در دو برگ تنظیم و به استناد ماده ۱۵۹ قانون کار قطعی و لازم الاجراست. اتحادیه آزاد کارگران ایران این رای را حاصل درایت و آگاهی و مبارزات پیگیر و متحدانه کارگران پریس ارزیابی میکنند و ضمن تبریک به این دوستان، دست یکایک آنان را صمیمانه می فشارد.

زنده باد همبستگی کارگری

تلویزیون کانال جدید

New Channel TV
Hotbird 8
Frequency 12303 Mhz
FEC 3/4
polarization Vertical
www.newchannel.tv

ایسکرا ، برنامه ای بزبان کردی
در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای یکشنبه

و سه شنبه و پنجشنبه

ساعت ۴ و نیم بعدازظهر

بوقت تهران پخش میشود

تهیه کننده برنامه: یدی محمودی

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!